

---

# روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی

## از نگاه علامه محمد تقی شوشتری

---

محمدعلی رضایی کرمانی\*  
احمد زارع زردینی\*\*

---

### ◀ چکیده:

از مهم‌ترین بایسته‌های پژوهش در علوم حدیث، ارائه روش‌هایی برای بررسی و پژوهش در میراث حدیثی است. نقد و بررسی عنوان کتاب‌ها و ابواب حدیثی، یکی از این روش‌هاست. این نوشتار به معرفی و بررسی میزان کارآمدی این روش در علوم حدیث می‌پردازد، و به منظور رسیدن به این هدف، کارآمدی آن را در دو حوزه نقد بیرونی (انتساب و تصحیح متن) و نقد درونی (فهم و ارزیابی متن) نشان داده است. پس از اثبات کارآمدی این روش، به چگونگی تعیین عنوان متونی که در تعیین عنوان آن‌ها اشتباهی رخ داده، پرداخته شده و در همین راستا، دو روش درون‌متنی و برون‌متنی در تعیین عنوان ارائه شده است. در معرفی و تبیین جوانب مختلف این روش، از آثار محمد تقی شوشتری - حدیث پژوه معاصر - استفاده شده است.

### ◀ کلیدواژه‌ها:

علوم حدیث، روش، نقد عنوان، نقد بیرونی، نقد درونی، محمد تقی شوشتری (تستری).

---

\* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد / rezai1385@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد / zareardini@gmail.com

## طرح مسئله

وسواس و اندیشه در گزینش نام برای فرزند یا عنوان برای کتاب و فیلم، عنوان‌های خبری، سرزمین‌ها، سایت‌های اینترنتی، و نیز انتخاب نام مناسب برای کالاهای صنعتی و مانند آن همگی نمایانگر اهمیت عنوان و اسم برای این پدیده‌ها هستند. اهمیت عنوان مناسب، کمتر از اصل کتاب و متن نیست و یک عنوان مناسب، می‌تواند متن را خواندنی‌تر کند و عنوان مبهم و ناآشنا، کتاب را در گوشه‌ای از کتابخانه‌ها ماندگار و فرسوده کند. درباره‌ی عنوان، دو بحث «گزینش عنوان» و «نقد و بررسی عنوان» را باید از یکدیگر جدا کرد. در «گزینش عنوان (نام)»<sup>1</sup> بحث‌ها پیرامون ویژگی‌های یک عنوان خوب است. اما موضوع دیگری که می‌توان ذیل مبحث «عنوان» به آن اشاره کرد و در این نوشتار به آن پرداخته شده است، «نقد و بررسی عنوان» یک کتاب و یا عناوین چندین کتاب و توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل آن‌ها از جوانب مختلف است. در اینجا سخن از گزینش نام مناسب و معیارهای آن نیست بلکه بررسی و پژوهش درباره‌ی نام‌هایی است که افراد انتخاب کرده‌اند. البته دامنه و انواع این پژوهش‌ها بسیار گسترده است و بررسی عنوان از جوانب زیبایی‌شناسی، تاریخی، فرهنگی و... را شامل می‌شود.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از این موضوع به مثابه‌ی یک روش در حدیث‌پژوهی بهره برد؟ به عبارت دیگر، آیا این موضوع قابلیت و توانمندی لازم را دارد تا به عنوان یک روش در مطالعات حدیثی از آن استفاده شود؟ فرضیه‌ای که در راستای این پرسش مطرح می‌شود، آن است که بررسی عنوان کتب حدیثی، عنوان ابواب کتب حدیثی، مدخل‌های کتب رجالی و... می‌تواند به عنوان روشی پرکاربرد در شناخت بهتر و بیشتر حدیث و جوانب گوناگون آن مورد استفاده قرار گیرد. هدف این نوشتار، معرفی و تبیین «روش نقد و بررسی عنوان کتاب‌ها و ابواب حدیثی» از زوایای مختلف است. درباره‌ی

1. برای اطلاعات بیشتر، رک: اسفندیاری، 1369، سال اول، شماره دوم.

شیوه انجام این پژوهش باید گفت یکی از محدثین معاصر که در آثار خویش به بررسی عنوان کتاب‌ها و ابواب حدیثی پرداخته است، علامه محمدتقی شوشتری است<sup>1</sup> و این مقاله، حاصل تحلیل و بررسی آثار اوست.

بر همین اساس، در این نوشتار به کاربرد روش «نقد و بررسی عنوان کتاب‌ها و ابواب حدیثی» با نگاه به آثار شوشتری پرداخته می‌شود. در این راستا، کاربرد این روش در دو حوزه نقد بیرونی و درونی<sup>2</sup> نشان داده شده است. در گام بعد، گونه‌های عنوان از نگاه او بررسی شده و در پایان نیز، روش تعیین عنوان کتبی که در تشخیص عنوان آن‌ها اشتباهی رخ داده، آمده است.

### 1. کاربرد نقد عنوان در نقد بیرونی

در اینجا به برخی از کاربردهای بررسی عنوان در نقد بیرونی یک متن پرداخته می‌شود. نقد بیرونی را که گاهی از آن تعبیر به «نقد متن»<sup>3</sup> نیز می‌شود، می‌توان

---

1. محمدتقی شوشتری در سال 1320 ه.ق در نجف به دنیا آمد. در هفت سالگی به شوشتر آمد و در همان‌جا علوم مقدماتی، سطح و دروس عالی را گذراند. وی در سال 1353 ه.ق در پی دستور کشف حجاب، به کربلا مهاجرت کرد. پس از برکناری رضاشاه در ایران، وی به شوشتر بازگشت و تا آخر عمر در این شهر ماند. شوشتری در 19 ذی الحجه سال 1415 ه.ق 1 در سن 95 سالگی روی در نقاب خاک کشید. فهرست برخی از آثار ایشان بدین گونه است: قضاء امیر المؤمنین، الاربعون حدیث، مقدمه توحید مفضل، البدایع، الاوائل، آیات بینات فی حقیقه بعض المنامات، النجعة فی شرح اللمعه، الاخبار الدخيلة، قاموس الرجال، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه و حواشی مصحف و الدر النظیر فی المکنین بأبی بصیر. (برای آشنایی بیشتر با زندگی و آثار این محقق برجسته رک: ارومیه‌چی، 1387ش / جهانگیری‌پور، 1375ش / صحتی سردرودی، 1377ش)

2. از آنجا که ارائه این روش به صورت کامل، بر اساس اصطلاحات علوم حدیث امکان‌پذیر نبود، از تقسیم‌بندی نقد بیرونی و درونی در حوزه علم تاریخ استفاده شده است. بنابراین مبنای تقسیم‌بندی در این پژوهش، نقد بیرونی و درونی برگرفته از کتاب روش‌های پژوهش در تاریخ، نوشته شارل ساماران، ج 3 و 4، صفحه 55 تا 171 با عنوان «نقد متن» است.

تصحیح اشتباهات یک متن دانست. بررسی پیرامون نویسنده و مسئله انتساب متن، نقد و بررسی نسخ خطی و چاپی و تصحیح آن‌ها از مباحث جاری این علم است. (ساماران، ج 3 و 4، ص 52) گاهی نیز به این شاخه از مطالعات در علم تاریخ «نقد سطحی»<sup>1</sup> می‌گویند. (زرین کوب، 1354، ص 156) در ادامه، به بررسی نقش عنوان در نقد بیرونی یک متن اشاره می‌شود.

### 1-1. نقد عنوان و تعیین نویسنده متن

یکی از کاربردهای بررسی عناوین، کمک در تعیین نویسنده متن «نقد انتساب» است. «نقد انتساب» از مباحث مهم نقد بیرونی است و مقصود این است که آیا آنچه را به یک نویسنده نسبت می‌دهند، حقیقتاً از اوست یا خیر؟ آیا وی خود آن متن را نوشته است و یا آن را به اشتباه به او نسبت داده‌اند؟ و اگر این‌گونه است، چه روش‌هایی برای تعیین نویسنده متن وجود دارد؟ (همو، 1372، ص 135-136) یکی از روش‌های تشخیص و تعیین نویسنده متن، بررسی عنوان آن است. در اینجا به یکی از مواردی که توجه و بررسی عنوان، نویسنده متن را مشخص کرده است، اشاره می‌شود.

از پرسش‌هایی که در حوزه علم رجال وجود دارد، آن است که آیا آنچه در رجال از محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی به ما رسیده است، همان اصل رجال کشی است و یا اختیار شیخ طوسی از آن است؟ به عبارت دیگر، چه کسی نویسنده است؟ ابن داوود، بر این باور است که آنچه از رجال کشی در دست ماست، اصل کتاب کشی است. (حلی، 1383ق، ص 328) شوشتری با این دیدگاه مخالف بوده و معتقد است که آنچه از رجال کشی به دست ما رسیده است، اختیار شیخ طوسی از این کتاب است. وی در مقام استدلال، معتقد است که عنوان این کتاب، رجال بوده و موضوع کتب رجال، بیان طبقات ائمه (ع) است، ولی آنچه از این کتاب به دست ما رسیده، بر اساس طبقات نیست. بنابراین از

ناسازگاری عنوان کتاب کشی، رجال و محتوای امروزمین آن، می‌توان به دست آورد که نویسنده متن، کشی نیست و آنچه مانده است، اختیار شیخ طوسی از آن است. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 35)

## 2.1. نقد عنوان و تصحیح متن

یکی از فواید بسیار مهم تحقیق و پژوهش درباره عنوان متن، آن است که با دقت و بررسی عنوان یا نام ابواب و کتب حدیثی و رجالی و... می‌توان اغلاطی را که توسط ناقلان و ناسخان در یک متن راه یافته، شناسایی و تصحیح کرد. این اغلاط گونه‌های مختلفی دارند که در ادامه، ضمن بررسی نقش عنوان به آن‌ها اشاره می‌شود.

## 2.2.1. نقد عنوان و کشف افزایش در متن

از کاربردهای بررسی و دقت در عنوان ابواب و کتب حدیثی، آن است که با استفاده از این ابزار می‌توان به افزوده‌ها و یا زیاده‌های یک متن دست یافت. افزایش در متن، یکی از آفاتی است که متون را تهدید می‌کند و می‌تواند به علل مختلفی همچون ورود حاشیه در متن، دوباره‌نویسی، تشابه خطی و... در متن ایجاد شود. این افزایش در سه سطح حروف، واژگان و عبارات در متن به وجود می‌آید.<sup>1</sup> با بررسی عنوان، می‌توان به برخی از این زیاده‌ها دست یافت. برای مثال، در کتاب محاسن برقی، در «کتاب العلل» حدیثی به این صورت آمده است: «عن بکیر بن اعین عن الباقر(ع) قلت له: رجل شک فلم یدر اربعاً صلی ام اثنین و هو قاعد؟ قال: یرکع رکعتین و اربع سجادات.» (برقی، 1371ق، ج 2، ص 331)

در این حدیث از امام باقر(ع) درباره شک بین سه و چهار در نماز می‌پرسند و امام(ع) نیز پاسخ را ارائه می‌کنند. شوشتری بر این باور است که محتوا با عنوان باب «کتاب العلل» سازگار نیست، زیرا عنوان «کتاب العلل» می‌رساند که در ذیل این عنوان، احادیثی جای می‌گیرند که به چرایی احکام می‌پردازد. اما این خبر بر

1. اصطلاحی که در علم درایه به مفهوم افزایش در متن بسیار نزدیک است، «حدیث مدرج» است.

خلاف سایر اخبار این باب، در بردارنده هیچ گونه چرایی و علت احکام نیست. بر همین اساس، ایشان می‌گویند گویا این خبر به این باب افزوده شده است. (شوشتری، 1365ش، قسم الصلاة، الجزء الثاني، ص 160)

در مواردی نیز، مقایسه عنوان و محتوا نشان می‌دهد که یک عنوان به متن افزوده شده است. شوشتری به چند نمونه از این موارد در کتاب *من لایحضر* اشاره کرده است؛ از جمله در این کتاب بابی با عنوان «باب المس» وجود دارد (صدوق، 1413ق، ج 1، ص 143) اما مقایسه این عنوان با محتوا نشان می‌دهد که تنها یکی از احادیث این باب درباره «مس میت» است. شوشتری با مشاهده این ناسازگاری به تصحیح آن پرداخته و معتقد است که این باب در اصل کتاب وجود نداشته و برخی از حاشیه‌نگاران با اجتهاد خود اضافه کرده‌اند و بعدها به متن افزوده شده است. شوشتری در تأیید این تصحیح خویش به عدم وجود این باب در یک نسخه خطی مقابله شده استناد می‌کند. (شوشتری، همان، قسم الطهارة، ص 296)

### 3.2.1. نقد عنوان و کشف افتادگی از متن

یکی از کاربردهای بررسی و پژوهش در عنوان ابواب و کتب حدیثی، آن است که با استفاده از این ابزار می‌توان به افتادگی و نقصان<sup>1</sup> در متن آگاه شد و آن را تصحیح و بازسازی کرد. افتادگی یا کاهش در متن از جمله آسیب‌هایی است که متون را در رهگذر انتقال تهدید می‌کند و به علل مختلفی همچون بی‌دقتی ناسخ، پرش چشم ناسخ از یک عبارت به عبارت مشابه دیگر و... در متن به وجود می‌آید. کاهش در متن نیز در سه سطح حروف، واژگان، عبارت و یا حتی بخشی از یک متن اتفاق می‌افتد. گاهی با بررسی عنوان می‌توان به این افتادگی‌ها دست یافت. برای مثال، در کتاب *من لایحضر* در باب «ما احل الله عزوجل من النکاح» حدیثی به این صورت آمده است:

1. در علم درایه، اصطلاحاتی همچون «مرسل»، «مرفوع»، «معطل» و... به افتادگی از سند خبر اشاره دارند.

«روی محمد بن قیس عن ابی جعفر(ع): انه قضی فی رجل تزوج امرأة و اصدقته هی و اشترطت علیه ان بیدها الجماع و الطلاق؟ قال: خالفت السنة و لیت حقا لیست باهله، فقضی ان علیه الصداق و بیده الجماع و الطلاق و ذلك السنة.» (صدوق، همان، ج 3، ص 425)

محمد بن قیس می‌گوید که امام باقر(ع) درباره دعوی یک زن و شوهر درباره شروط ازدواج، قضاوت کرده‌اند. شوشتری در بررسی این روایت در آغاز اشاره می‌کند که شیخ صدوق، این روایت را از کتاب محمد بن قیس نقل کرده است و کتاب محمد بن قیس در «قضاوت‌های امیرالمؤمنین(ع) است (نجاشی، 1407ق، ص 323) اما در این روایت، این قضاوت از امام باقر(ع) نقل شده است، در حالی که کتاب محمد بن قیس که شیخ صدوق این حدیث را از آن آورده است، «قضاوت‌های امیرالمؤمنین(ع)» بوده است. ایشان در ادامه متن، این خبر را این‌گونه تصحیح می‌کنند، صورت درست عبارت «انه قضی» این است: «انه قال: ان امیرالمؤمنین(ع) قضی» یعنی امام باقر(ع) یکی از قضاوت‌های جدشان امام علی(ع) را نقل می‌کنند. شوشتری، برای تأیید این تصحیح خویش، به خبر بعد از آن اشاره می‌کند که به این صورت است: «و قضی امیر المؤمنین(ع)» (صدوق، همان جا) یعنی شیخ صدوق، این خبر را دنباله خبر قبل دانسته و با «واو» به روایت قبل معطوف کرده است. پس، آن قضاوت اول نیز از امام علی(ع) بوده و از امام باقر(ع) نیست. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 101) بنابراین، شوشتری با آگاهی از عنوان کتاب محمد بن قیس، افتادگی از این متن را نشان داده است. (برای آشنایی با موارد دیگر ر.ک: همان، ج 2، ص 106، 238 و 283)

#### 4.2.1. نقد عنوان و کشف آمیختگی در متن

نقد و بررسی عنوان ابواب کتب حدیثی، می‌تواند نشان دهد که آیا در متن، خلط و آمیختگی اتفاق افتاده است یا خیر؟ آمیختگی دو یا چند متن در یکدیگر در رهگذر انتقال، از آسیب‌هایی است که متون را تهدید می‌کند. در مثال زیر نشان داده می‌شود که چگونه بررسی عنوان متن، به کشف آمیختگی در متن منجر می‌شود.

در کتاب کافی در باب «المعتمر یطا اهله و هو محرم و الکفاره فی ذلک» در آغاز دو حدیث، پیرامون موضوع باب یعنی کفاره آمیزش با همسر در حال احرام عمره مفرده می‌آورد. بعد از آن سه خبر دیگر در این باب وجود دارد که به کلی با عنوان باب ناسازگار است و هیچ ربطی به کفاره آمیزش در حال احرام ندارند. این اخبار عبارت‌اند از:

- «عن زراره قال: قال من جاء بهدی فی عمره فی غیر حج فلینحره قبل ان یحلق رأسه»

- «عن معاویة بن عمار عن الصادق(ع): المعتمر اذا ساق الهدی یحلق قبل ان یدبح»

- «و عنه (معاویة بن عمار) عنه (الصادق ع): من ساق هدیا فی عمره فلینحره قبل ان یحلق و من ساق هدیا و هو معتمر هدیة بالمنحر و هو مابین الصفا و المروة و هی الحروزه» (کلینی، 1365 ش، ج 4، ص 539)

شوشتری، این سه حدیث را با عنوان آن باب ناسازگار می‌بیند، زیرا عنوان این باب درباره کفاره آمیزش با همسر در حال احرام است. اما موضوع این سه حدیث، آن است که پس از «تلبیه» در حج چه کارهایی لازم است؟ با مشاهده این ناسازگاری، شوشتری در صدد تصحیح آن برآمده و معتقد است که این سه حدیث، ادامه احادیث باب پیشین بوده و به احادیث این باب آمیخته شده است. عنوان باب پیشین چنین بوده است: «قطع تلبیه المحرم و ما علیه من العمل». (همان، ص 537) این سه حدیث، عبارت «ما علیه من العمل» در عنوان را توضیح می‌دهند. شوشتری در ادامه می‌گوید از آنجا که این دو باب به یکدیگر متصل بوده‌اند، همین امر باعث شده تا نخستین نسخه‌برداران کتاب کافی، اخبار این دو باب را با یکدیگر خلط نمایند. (شوشتری، 1396 ق، ج 2، ص 55)



## 5.2.1. نقد عنوان و کشف دگرگونی در متن

تحقیق و بررسی در عنوان ابواب و مداخل کتب رجالی، می‌تواند در یافتن دگرگونی‌ها (تبدیل) و تصحیح آن پژوهشگر را یاری کند. مقصود از دگرگونی یا تبدیل در متن، آن است که یک واژه می‌تواند به هر دلیلی به واژه‌ای دیگر تبدیل شود. از زمینه‌های تبدیل در متن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گاهی به علت تشابه خطی دو واژه، ناسخ، آن‌ها را به یکدیگر تبدیل می‌کند، و در مواردی نویسنده‌ای مطلبی را از ذهن و بدون مراجعه به مکتوب نقل می‌کند، در اینجا دچار وهم شده و واژه‌ای را به واژه دیگر تبدیل می‌کند. بررسی عنوان ابواب و مداخل‌های کتب رجالی و حدیثی، می‌تواند در کشف این تبدیل‌ها در متون یاریگر باشد. شوشتری، با همین ابزار، یکی از سخت‌ترین مسائل رجالی را حل کرده است.

یکی از مسائل دشوار در حوزه رجال شیعه، مسئله کسانی است که با کنیه ابابصیر شناخته می‌شوند. شوشتری، رساله الدر النظیر فی المکنین بابی بصیر را در این زمینه نگاشته است. ایشان در آن مقاله، وجود شخصی به نام «عبدالله بن محمد الاسدی» را ساخته و پرداخته توهّمات دانسته و معتقدند چنین فردی در رجال حدیث وجود ندارد. (شوشتری، 1391ق، ج 11، ص 60-176) ایشان در مقدمه قاموس الرجال، روش رسیدن به این نکته مهم رجالی خویش را حاصل توجه به عنوان می‌دانند. وی در تبیین روش دستیابی به این مطلب می‌گویند که یکی از روش‌های کشفی در کتاب رجالش آن است که چند نفر از رجال حدیث را در یک عنوان جای می‌دهد و اخباری را که مربوط به آنهاست، در آن نقل می‌کند. بر همین اساس، کشفی در عنوان «علباء بن دراع الاسدی و ابی بصیر» (کشفی، 1348 ش، ص 199-200) اخباری را که درباره علباء و ابی بصیر وارد شده است، می‌آورد؛ از جمله آن‌ها خبری است با این مضمون که ابابصیر به امام باقر (ع) می‌گوید که علباء در حال احتضارش به ابابصیر گفته است که امام باقر (ع) بهشت را برایش ضمانت کرده است. ابابصیر از امام (ع) می‌خواهد تا بهشت را برای او

نیز تضمین کند و امام (ع) این کار را برای ابا بصیر انجام می‌دهد. در جایی دیگر، از رجال کشی، عنوانی به این صورت «ابی بصیر عبدالله بن محمد الاسدی» (همان، ص 174) آمده است. کشی در این عنوان نیز، همان خبر ابا بصیر و علباء را آورده است. از این توجه به دست می‌آید که عنوان «ابی بصیر عبدالله بن محمد الاسدی» تحریف یافته «ابی بصیر و علباء الاسدی» است، زیرا خبری که در عنوان «علباء و ابا بصیر» آورده، در اینجا نیز آورده است، به همین جهت از آنجا که محتوای این دو باب یکسان است، عناوین آن‌ها نیز بایستی یکسان باشد. البته این تنها یکی از دلایل شوشتری برای اثبات این تبدیل است. (شوشتری، 1391ق، ج 1، ص 46)

### 1-2-6. نقد عنوان و کشف جابه‌جایی در متن

با مقایسه محتوای متن و عنوان آن، می‌توان به جابه‌جایی‌هایی که احتمالاً در متن ایجاد شده، دست یافت و آن را تصحیح کرد. مقصود از جابه‌جایی در متن، آن است که یک واژه، جمله و یا بخشی از متن از جایگاه اصلی خویش خارج شده و جلوتر و یا عقب‌تر قرار گیرد. اگر این واژه یا جمله به پیش از جایگاه اصلی منتقل شود، آن را «تقدیم» و اگر به پس از جایگاه اصلی خویش انتقال یابد، «تأخیر» می‌گویند. شوشتری از نقد عنوان برای کشف و تصحیح این جابه‌جایی‌ها بهره می‌گیرد.

برای مثال، عنوان باب 23 «کتاب النکاح» کافی، «باب تزویج ام کلثوم» است (کلینی، همان، ج 5، ص 346) یعنی این باب درباره ازدواج ام کلثوم است. بعد از اخبار این باب، باب دیگری آمده است با عنوان «باب آخر منه» (همان، ص 347) یعنی باب دیگری درباره ازدواج ام کلثوم. شوشتری، با مقایسه محتوای این باب با عنوانش مشخص می‌کند که این عنوان با محتوا سازگار نیست، زیرا محتوای این باب را سه خبر از امام جواد (ع) تشکیل می‌دهد با این مضمون که اگر فردی به خواستگاری دختری آمد و از اخلاق و دیانت او رضایت داشتند، دختر را به ازدواج او درآورند که اگر این کار را انجام ندهند، فتنه و فساد به دنبال خواهد

داشت، در حالی که عنوان باب «باب آخر منه» گویای آن است که محتوا پیرامون ازدواج امّ کلثوم است. شوشتری با مشاهده این ناسازگاری عنوان و محتوا به تصحیح متن پرداخته و اشاره می‌کند که گویا جایگاه اصلی این باب، بعد از باب 21 کتاب النکاح که عنوانش «باب ان المؤمن کفو المؤمنه» (همان، ص 339) است و یا بعد از باب 22 «باب آخر منه» (همان، ص 344) قرار داشته ولی از جایگاه اصلی اش خارج شده و به اصطلاح «مؤخر» شده و همین جابه‌جایی در متن، باعث ناسازگاری شده است. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 17)

### 7.2.1. نقد عنوان و کشف تصحیف متن

با مقایسه عنوان و محتوای متن، می‌توان به تصحیفاتی که در یک متن رخ داده، دست یافت و آن را تصحیح کرد. تصحیف، آسیبی است که از رهگذر نحوه نگارش کلمات در زبان عربی به متن وارد می‌شود.<sup>1</sup>

برای مثال، در کتاب کافی، بابی با عنوان «کتاب الایمان و الذور و الکفارات» وجود دارد. (کلینی، همان، ج 7، ص 434) از عنوان چنین بر می‌آید که در این کتاب، سه باب وجود دارد، یکی «باب للیمین»، دیگری «باب للذور» و «باب للکفارات»؛ در حالی که بررسی محتوای این بخش نشان می‌دهد که این بخش فقط باب‌های «یمین» و «ذور» را داراست و در پایان آن، «باب النوادر» آمده است؛ ولی بابی برای «کفارات» در این کتاب وجود ندارد و تنها در باب نوادر که شامل بیست و یک حدیث است، هفت تای آن‌ها مربوط به کفارات است و سایر احادیث آن باب، موضوعات دیگری دارند. بنابراین، اگرچه در عنوان آمده است که این بخش «کفارات» را نیز در بر دارد، این محتوا با آن عنوان سازگار نیست. شوشتری بر این باور است که احتمالاً عنوان این بخش چنین بوده است. «کتاب الایمان و الذور و کفاراتهما» و واژه «کفاراتهما» به صورت «و الکفارات» تصحیف شده است. ایشان، علت این امر را تشابه خطی بین این دو واژه می‌دانند. ایشان درباره زمان ورود این تصحیف به متن می‌گویند که این تصحیف در همان دوران

1. در علم درایه به این گونه از احادیث، «احادیث مصحف» می‌گویند.

اولیه نسخه برداری کتاب کافی اتفاق افتاده، زیرا فقهای بعد از کلینی به مانند شیخ مفید در کتاب المقنعه و یا کتب مراسم و سرائر و النهایة همین روش را دنبال کرده‌اند. (مفید، 1413ق، ص 553-567/طوسی، 1342ش، ج 2، ص 571-588؛ سلار دیلمی، 1414ق، ص 188-189) شوشتری از مقایسه محتوا و عنوان، به کشف تصحیف در این متن رهنمون شده است. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 77-78)

### 1-2.8. نقد عنوان و تعیین تصحیف نسخه و اشتباه نویسنده

یکی از مسائلی که در حوزه نقد متن مطرح است، این است که اغلاط و اشتباهات متن را چه کسی وارد کرده است، آیا نویسنده کتاب اشتباه نوشته و یا اینکه نویسنده درست نوشته است ولی متن در فرآیند انتقال به دست ناقلان و ناسخان دچار تغییر شده است. یکی از ابزارهای کاربردی برای تشخیص نوع آسیب، توجه به عنوان باب است. برای مثال، صدوق در کتاب *علل الشرایع* این حدیث را آورده است:

«عن محمد بن الحسن الهمدانی، قال: سألت ذالنون المصری، قلت: یا ابا الفیض لم صیر الموقف بالمشعر و لم یصیر بالحرم؟ قال: حدثنی من سأل عن الصادق (ع) ذلك فقال: لان الكعبه...» (صدوق، بی تا، ج 2، ص 443)

شوشتری، در بررسی این خبر اشاره می‌کند که صورت درست متن در بخشی از آن چنین است: «لم صیر الموقف بعرفات و لم یصیر بالمسجد الحرام؟» ایشان این تصحیح را با شواهدی به اثبات می‌رسانند. ایشان در ادامه، سؤال دیگری را مطرح می‌کند و آن اینکه آیا این اشکال به خاطر تصحیف نسخه به وجود آمده است یا اینکه مؤلف، خود این اشتباه را مرتکب شده است؟ ایشان بر این باور است که این اشتباهی است که از مؤلف سر زده است و به دست نسخه‌نویسان و وراقان ایجاد نشده است. دلیل ایشان بر این نظر، آن است که عنوان این باب که صدوق آن را انتخاب کرده، نیز همین اشکال را داراست. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 176) زیرا عنوان باب را این‌گونه نهاده است: «باب العلة التي من اجلها صیر الموقف بالمشعر و لم یصیر بالحرم.» (صدوق، همان جا)

### 9.2.1. نقد عنوان و کشف فهم نادرست متن

با بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی، می‌توان فهم و برداشت محدثین را از اخبار و روایات، مورد نقد و بررسی قرار داد. یکی از آسیب‌هایی که متون را در انتقال تهدید می‌کند، آن است که ناقل متن در فهم متنی که انتقال می‌دهد، دچار اشتباه شود. یکی از اهداف نقد متن، آن است که این فهم نادرست را کشف و صورت درست آن را نشان دهد. برای مثال، شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه در باب «الشهادة علی الشهادة» این حدیث را آورده است:

«عن محمد بن مسلم قال: سألت ابا جعفر (ع) عن الذمی و العبد یشهدان علی شهادة ثم سلم الذمی و یعتق العبد ایجوز شهادتهما علی ماکانا اشهدا علیه؟ قال: نعم اذا علم منهما بعد ذلك خیر جازت شهادتهما.» (صدوق، 1413ق، ج 3، ص 70)

از آنجا که شیخ صدوق این حدیث را در باب «شهادت بر شهادت» آورده است، معلوم می‌شود که ایشان از این حدیث چنین برداشت کرده‌اند که فردی مسیحی یا یهودی یا یک برده، شهادت یک شاهدهی را می‌شنوند و سپس، آن شاهد فوت می‌کند و یا دچار بیماری شدید می‌شود و نمی‌تواند شهادت را ادا کند. در اینجا سؤال این است که اگر این مسیحی یا یهودی مسلمان شوند و برده آزاد شود آیا می‌توانند در محکمه حاضر شده، شهادت بر شهادت آن شخص شاهد دهند، و اگر شهادت دهند، معتبر است یا خیر؟ امام می‌فرمایند اگر بعد از آنکه مسلمان و یا آزاد شد، رفتارهایش خوب بود، شهادت او مورد پذیرش است و الا خیر. اما شوشتری، بر این باور است که محتوای حدیث، آن است که فردی مسیحی یا یهودی و یا یک برده، قضیه‌ای را می‌بینند، بعدها مسیحی و یهودی مسلمانان شده و برده نیز آزاد می‌شود، آیا می‌توانند آنچه را دوران کفر و یا بردگی دیده‌اند، شهادت دهند و اگر شهادت دهند، معتبر است یا خیر که امام می‌فرمایند شرایط شهود ایمان- عدالت- حریت و... شرایط وقت ادای شهادت است نه وقت تحمل و اگر بعد از اسلام آوردن کافر و یا آزاد شدن برده،

انسان‌های خوبی بودند، می‌توانند به آنچه در دوران کفر یا بردگی دیده‌اند، شهادت دهند. (شوشتری، 1396ق، ج 2، ص 185) همچنین برای آشنایی با موارد دیگر، ر.ک: همان، ص 11، 182-183، 233-234) لازم به یادآوری است که کافی این حدیث را در باب «شهادة اهل الملل» آورده است. (کلینی، همان، ج 7، ص 198)

## 2. کاربرد نقد عنوان در نقد درونی

پس از آنکه متنی تاریخ‌گذاری شد و اغلاط آن تصحیح و محل نگارش و هویت نویسنده آن تعیین گردید، مورخ می‌تواند وارد نقد درونی شود. نقد درونی که به آن، نقد عالی<sup>1</sup> نیز می‌گویند، شامل دو بخش است: یکی تفسیر و فهم متن و دیگری ارزیابی متن از حیث صداقت و صحت مطالب آن. (ساماران، ج 3 و 4، ص 132/ زرین‌کوب، 1354ش، ص 156)

### 1.2. نقد عنوان و فهم متن

توجه به عنوان می‌تواند از چند زاویه در فهم متون تاریخی و روایی محقق را یاری رساند.<sup>2</sup> نخست آنکه عنوان می‌تواند موضوع و محتوای کتاب را نشان دهد. با توجه به عنوان، می‌توان مشخص کرد که کتاب حاوی چه نوع اطلاعاتی است. برای مثال، کتبی که عنوان «دلایل» را با خود دارند، فقط درباره معجزات ائمه (ع) صحبت می‌کنند. (شوشتری، 1396ق، ج 1، ص 43)

شوشتری، در مقدمه قاموس الرجال، تمام منابع رجالی را از جهت عنوان، طبقه‌بندی کرده و اشاره می‌کنند که هر کدام از این کتب، موضوعی خاص دارند. ایشان، عنوان‌هایی را که برای کتب رجال نهاده شده است، در چند دسته جای می‌دهند. برخی تنها عنوان «رجال» را دارند، دسته‌ای عنوان «معرفة الرجال»، بعضی نیز عنوان «تاریخ الرجال»، برخی دیگر از کتب رجال با عنوان «فهرست» و

1. Higher criticism

2. مرحله تفسیر یا فهم متن اخبار و احادیث را در علوم حدیث، «فقه الحدیث» می‌گویند.

دسته‌ای نیز عنوان «ممدوحین و مذمومین» را دارند و عنوان برخی دیگر از کتب رجال «مشیخه» است و هر کدام از اینها موضوعی خاص را دنبال می‌کنند. (شوشتری، 1391ق، ج 1، ص 18)

دومین کاربردی که آشنایی و نقد عنوان در فهم متن دارد، آن است که می‌توان موضوعات فرعی و اصلی یک متن را تعیین کرد. برای مثال، یکی از گونه‌های تألیف حدیثی در شاخه رجال، کتب «فهرست» است. موضوع کتاب‌های فهرست، ذکر مصنفات و اصول است. بنابراین، کتاب فهرست شیخ طوسی که در آن به امامی یا غیر امامی بودن و یا جرح و مدح راویان می‌پردازد، خارج از موضوع کتاب است. (همو، ص 15 و 18) شوشتری در جای دیگر می‌گوید کتاب نجاشی مثل فهرست شیخ، فهرستی است برای کتب شیعه و اگر گاهی تولدی یا وفاتی ذکر کند، تبرعی است. (کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره اول، ص 7)

سومین فایده بررسی عنوان کتاب‌ها و ابواب حدیثی در فهم احادیث، آن است که این کار می‌تواند در گشودن گره اجمال از متن به کار آید. گاهی متنی به سبب تقطیع، نقل به معنی و یا از بین رفتن قراین به صورت مجمل درمی‌آید و معنای مشخصی از آن فهمیده نمی‌شود و یا متن دو معنای متفاوت را می‌رساند. در اینجا یکی از قراینی که می‌تواند در فهم درست این گونه از متون یاریگر باشد، توجه به عنوان بابی است که این حدیث در آن به کار رفته است؛ برای مثال، کلینی در کتاب کافی، حدیثی آورده است:

«عن هشام بن الحکم عن الصادق (ع) قال: لایجوز وادی محسر حتی تطلع الشمس.» (کلینی، 1365 ش، ج 4، ص 470) اگر این حدیث به تنهایی بخواهد تفسیر شود، معلوم نیست که این حدیث آیا درباره منی است یا مزدلفه؟ زیرا می‌تواند در هر دو مورد معنادار باشد و به عبارت دیگر، حدیث مجمل است. شوشتری برای فهم مراد حدیث، از عنوان باب کافی به عنوان یک قرینه در فهم معنای حدیث بهره گرفته است و می‌گوید از آنجا که کافی، این حدیث را در باب «لیلة المزدلفه و الوقوف بالمشعر و الافاضة منه» (همان‌جا) آورده است،

مقصود از حدیث نیز شب مزدلفه است نه منی. (شوشتری، 1396، ق، ج 2، ص 172)

## 2.2. نقد عنوان و ارزیابی متن

یکی از مباحث مهم در حوزه نقد درونی، ارزیابی متن از حیث میزان صحت و قابلیت اعتماد و اطمینان به مطالب آن است. در اینجا به اهمیت نقد و بررسی عنوان در ارزیابی متن اشاره می‌شود.<sup>1</sup> پژوهش در عنوان متن می‌تواند به ما نشان دهد که میزان صحت و قابلیت اعتماد و اطمینان به متن در چه سطحی است؟ آیا نویسنده به صحت و درستی مطالب کتابش توجه داشته است یا خیر؟ برای مثال، در حوزه حدیث، کتبی هستند که عنوان آن‌ها نشان می‌دهد که محتوای آن کتب، قابل اعتماد و اطمینان نیست مانند کتبی که عنوان «موضوعات» را با خود دارند. از طرف دیگر، عنوان «صحیح» که در عنوان پاره‌ای از کتب اهل سنت به کار برده شده است، مدعی گونه‌ای از قابلیت اطمینان و اعتماد به مطالب آن‌هاست. در این باره می‌توان به نظر شوشتری پیرامون «نوادر» اشاره کرد. ایشان بر این باورند که کتبی مانند نوادر محمد بن احمد بن یحیی و نوادر محمد بن ابی عمیر که عنوان «نوادر» را به دوش می‌کشند، کتاب‌هایی معتبرند و عنوانشان به این معناست که مانند آن‌ها کمتر تألیف شده است. (شوشتری، 1391، ق، ج 11، ص 58) در برخی از کتب روایی همچون *من لا یحضره الفقیه* و *کافی*، باب‌هایی با عنوان «باب»، «باب نادر» و «باب النوادر» آمده است. کتاب *تهذیب* به جای عنوان «باب النوادر» از اصطلاح «کتاب الزیادات» استفاده کرده است. شوشتری معتقد است، هرگاه نویسنده‌ای حدیثی را در «باب نادر» و یا «باب» بیاورد این بدان معناست که اخبار آن باب قابلیت اعتماد و اطمینان ندارند و نباید به آن‌ها عمل کرد. اما اگر حدیثی را در «باب النوادر» بیاورد، این نشان دهنده آن است که اخبار آن باب قابل اعتماد بوده و می‌توان به آن‌ها عمل کرد، محتوای این باب را احادیثی در بر گرفته‌اند که

1. یکی از روش‌های ارزیابی روایات، روش نقد و بررسی راویان آن روایت است که در علوم حدیث به آن «علم رجال» می‌گویند.



روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه... □ 129

به اصطلاح فقها «قضایا فی واقعه» هستند. (شوشتری، 1365، قسم الزکاة و الخمس، ص 273/ همو، کتاب الحج، ص 312/ همو، قسم الجهاد، ص 183/ همو، کتاب المتاجر، ص 219-220)

شوشتری برای ارزیابی رجال حدیث نیز به عنوان کتب آن راوی توجه دارد؛ برای مثال، در کتاب رجال خویش در شرح عنوان «احمد بن محمد بن سعید» معروف به ابن عقده، سخنی از فهرست و رجال شیخ طوسی و نجاشی آورده است که گفته‌اند ابن عقده زیدی و جارودی است. (نجاشی، 1407ق، ص 94/ طوسی، بی تا، ص 28/ همو، 1415 ق، ص 409) شوشتری در بررسی گفتار شیخ طوسی و نجاشی در آغاز با نقل یک عبارت تاریخی از نحوه ارتباط ابن عقده و امام صادق (ع)، زیدی بودن او را رد می‌کند، و درباره جارودی بودن او می‌گوید که شهرستانی، جارودی را کسی می‌داند که معتقد است پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) را با وصف و نه با نام، به عنوان جانشین خویش تعیین کرده‌اند ولی مردم به دنبال اوصافی که پیامبر (ص) گفته بود، نرفتند و در این راه کوتاهی کرده و علی (ع) را نشناختند. (شهرستانی، 1350 ش، ص 116)

شوشتری معتقد است که اگر این تعریف جارودی باشد با عنوان یکی از کتب ابن عقده ناسازگار است، زیرا در فهرست شیخ طوسی و نجاشی از جمله کتب ابن عقده، کتابی با عنوان کتاب الولاية و من روی غدیر خم را آورده‌اند. (نجاشی، همان، ص 1/ طوسی، بی تا، ص 28) این عنوان با تعیین امام علی (ع) هم‌خوانی دارد و نه با توصیف. بر همین اساس، عنوان این کتاب ابن عقده با جارودی بودن وی نمی‌سازد و بنابراین ابن عقده، جارودی نیست. (شوشتری، 1391ق، ج 1، ص 398-399)

### 3. انواع عنوان

تاکنون به اهمیت و کارآمدی بررسی عنوان ابواب و کتاب‌های حدیثی اشاره شد. در ادامه نوشتار، به دو موضوع مهم دیگر در این زمینه پرداخته می‌شود.

اولین موضوع، درباره انواع عنوان است و سپس از آنجا که گاهی در تشخیص عنوان اشتباهاتی صورت می‌گیرد، به روش تعیین عنوان پرداخته می‌شود. بنا بر نظر شوشتری، عنوان‌هایی را که برای کتب به کار برده می‌شوند، می‌توان در سه دسته عناوین وصفی، علمی و معروف طبقه‌بندی کرد.

### 1-3. عنوان وصفی

مقصود از عنوان وصفی، عنوانی است که تنها گویای محتوای کتاب است و صرفاً جهت اشاره و شناخت موضوع آن به کار برده می‌شود. عنوان وصفی، عنوانی نیست که مؤلف برای کتاب خویش نهاده است. شوشتری در نقد نظر کسانی که عنوان کتاب رجال کشی را بنا بر نقل ابن شهر آشوب «معرفة الناقلين عن ائمة الصادقين» (ابن شهر آشوب، ص 91) دانسته‌اند (شهیدی و...، 1351ش، ص 494) می‌گوید که ابن شهر آشوب که این اسم را گفته، اسم وصفی برای کتاب کشی است نه اسم علمی. این اسم، فقط تعریف کتاب کشی است همان‌گونه که در تعریف انسان می‌گویند: «الانسان حیوان ناطق» پس عنوان معرفة الناقلين برای تعریف کتاب است و نه عنوان آن، زیرا قدما برای راویان حدیث تعبیر «ناقلین» به کار نمی‌برند و از اصطلاح «روایت» استفاده می‌کنند. پس کتاب کشی نیز نمی‌تواند عنوان ناقلین داشته باشد. (کیهان فرهنگی، همان‌جا) البته یکی از دلایل دیگر ایشان در این زمینه، آن است که شیخ طوسی در فهرست آن را معرفة الرجال نامیده است. (طوسی، بی‌تا، ص 34)

### 2-3. عنوان علمی

مقصود از عنوان علمی، آن‌گونه که از فحوای کلام علامه شوشتری برمی‌آید، عنوانی است که مؤلفین بر کتاب خویش می‌گذارند بر خلاف عناوین وصفی که برای معرفی و شناخت یک کتاب به کار می‌رود. بنابراین، می‌توان گفت عنوان من لایحضره الفقیه که عنوان کتاب حدیثی شیخ صدوق است، عنوان علمی است، زیرا مؤلف به این نام کتابش را نامیده و به آن تصریح کرده است. (صدوق، 1413ق، ج 1، ص 2)

### 3.3. عنوان مشهور

پاره‌ای از عناوین کتب، نه محتوای کتاب را به مخاطبان می‌شناسانند و نه عنوانی هستند که نویسندگان آن‌ها بر آن نهاده باشند، بلکه اینها عناوینی‌اند که به واسطه شهرت مطرح شده‌اند؛ برای مثال، شوشتری هر جا به کتاب *دلائل الطبری* ارجاع می‌دهد، از آن با تعبیر «المعروف بدلائل الطبری» ارجاع می‌دهد. (شوشتری، 1396ق، ج 1، ص 69، 102 و 112) درباره اسامی برخی از خطبه‌های حضرت علی (ع) همچون «اشباح»، «شقشقیه»، «طالوتیه» و «وسيله» (رضی، بی‌تا، ص 124/ کلینی، 1365ش، ج 8، ص 18 و 31) شوشتری بر این باور است که این اسامی، گویای محتوای خطبه‌ها نیست و نمی‌تواند عنوان وصفی و یا علمی برای این خطبه‌ها باشد و از آنجا که لفظ اشباح و یا شقشقیه و... در این خطبه‌ها وجود داشته است، به این نام‌ها مشهور شده‌اند. (شوشتری، 1418ق، ج 1، ص 198)

### 4.3. اشتباه در تشخیص عنوان

کتاب‌هایی هستند که به اشتباه، عنوانی به آن‌ها نسبت داده‌اند. از آن جمله می‌توان به کتاب معروف به *دلائل الطبری*<sup>1</sup> اشاره کرد که عنوان‌های «المسترشد» و «الامامه» نیز به آن داده‌اند. علامه مجلسی در ابتدای *بحار الانوار* می‌گوید که یکی از منابعش، کتاب *دلائل الطبری* است که به آن *المسترشد* نیز می‌گویند. (مجلسی، 1404ق، ج 1، ص 20) دلیل مجلسی برای این ادعا، گفته علی بن طاووس است که کتاب *دلائل الائمه*، نوشته محمد بن جریر بن رستم طبری است. از طرف دیگر، نجاشی و شیخ طوسی برای محمد بن جریر بن رستم طبری، فقط کتاب *المسترشد* را آورده‌اند (نجاشی، همان، ص 376/ طوسی، بی‌تا، ص 160) اما از آنجا که کتاب *المسترشد* به دست مجلسی نرسیده بوده، مدعی شده است که *دلائل*

---

1. برای آشنایی بیشتر با این کتاب و نظرات گوناگون درباره آن، ر.ک: صفری فروشانی، علوم حدیث، ش 37 و 38.

الطبری همان المسترشد است. از طرف دیگر، سید بحرانی در کتاب مدینه المعاجز خویش، کتاب الامامة محمد بن جریر بن رستم طبری را جزء منابع خویش دانسته (بحرانی، 1411ق، ج 1، ص 17) و به این وسیله، عنوان کتاب معروف به دلائل الائمه را کتاب الامامة نامیده است. (شوشتری، 1396ق، ج 1، ص 46) به همین دلیل - اشتباه در تشخیص عنوان - لازم است تا با روش‌های تعیین عنوان آشنا شد.

### 3-4-1. روش تعیین عنوان

از آنجا که در گذشته، کتب به صورت خطی منتقل می‌شدند، معمولاً عنوان کتاب و نام مؤلف را روی جلد کتاب‌ها و یا در صفحات آغازین آن می‌نوشتند و از آنجا که بخش آغازین کتب، همواره در معرض آسیب بود و گاهی صفحات آغازین و جلد از آن جدا می‌شد، عنوان نیز از بین می‌رفت و گاهی با گذشت زمان، نام عنوان و مؤلف از روی جلد پاک می‌شد. به همین سبب، در تعیین عنوان نیز ممکن است اشتباهاتی رخ دهد. بنابراین لازم است با برخی از روش‌های تعیین عنوان آشنا شد. به طور کلی می‌توان گفت در تعیین عنوان متن، می‌توان از منابع بیرون متن و اطلاعات درون متن و یا ترکیبی از این دو روش استفاده کرد.

#### الف. روش بیرون‌متنی در تعیین عنوان

یکی از روش‌های تعیین عنوان متنی که عنوان آن مشخص نیست، آن است که در بیرون همان متن به دنبال عنوان گشت و در این راستا هر گونه اطلاعی که از بیرون متن بتواند در تشخیص عنوان متن یاری رساند، مورد استفاده قرار می‌گیرد که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود.

1. کتب فهرست و رجال: کتب فهرست، برای معرفی آثار و نوشته‌های راویان احادیث و... نوشته می‌شود. از طرف دیگر، در کتب رجال نیز، ضمن معرفی و شرح حال راویان به آثار آنها اشاره می‌گردد. به همین سبب، کتب فهرست و رجال می‌توانند در تعیین عنوان راهگشا باشند.

برای مثال، در اینکه نام کتاب کشی چیست؟ اختلاف نظر وجود دارد. برخی عنوان این کتاب را بنا بر نقل ابن شهر آشوب «معرفة الناقلين عن ائمة الصادقين» دانسته‌اند. (شهیدی، همان، ص 494) شوشتری با این نظر مخالف است و در تعیین نام کتاب رجالی کشی، از یک مطلب در فهرست شیخ طوسی بهره می‌گیرد، زیرا شیخ در عنوان «احمد بن داوود (طوسی، بی تا، ص 34)» گفته است که کشی نیز در کتاب *معرفة الرجال* خود، از او نام برده است و بدین وسیله، عنوان کتاب رجالی کشی را مشخص کرده است. (کیهان فرهنگی، همان جا)

**2. منابع و مآخذ دیگر:** از آنجا که نویسندگان در کتاب‌هایشان به کتاب‌های دیگر اشاره می‌کنند و به آن‌ها ارجاع می‌دهند، گاهی با استفاده از این اشارات، می‌توان عنوان کتابی را تشخیص داد؛ برای مثال، یکی از شروح *نهج البلاغه*، شرح راوندی است. علامه، نام این کتاب را از کتاب *طرائف ابن طاووس* می‌آورد و اشاره می‌کند که ابن طاووس، نام این کتاب را *منهاج البراعة* دانسته است. (ابن طاووس، 1400ق، ج 2، ص 483) بنابراین، ایشان با این اشاره ابن طاووس به عنوان کتاب دست یافته‌اند. (شوشتری، 1418ق، ج 1، ص 24)

#### ب. روش درون‌متنی در تعیین عنوان

البته اطلاعاتی که می‌توانند از درون متن در رسیدن به عنوان کمک رسانند، زیاد و گسترده‌اند که به دو نمونه اشاره می‌شود:

**1. تصریح به عنوان در متن:** برخی از نویسندگان در آغاز کتابشان و یا در بخشی از متن کتاب به نام آن اشاره می‌کنند. اگر بتوان این اشارات را یافت، می‌توان معمای عنوان را حل کرد؛ برای مثال، شوشتری آن هنگام که منابعی را که در علم رجال تألیف شده است، نام می‌برد، نامی از «رجال نجاشی» نمی‌برد و عنوان این کتاب را فهرست می‌داند (شوشتری، 1391، ج 1، ص 15) و دلیل ایشان بر این نامگذاری، تصریح نویسنده به عنوان این کتاب در متن می‌باشد. (نجاشی، همان، ص 3) شوشتری از همین روش، در تعیین عنوان بسیاری از مدخل‌های کتاب *رجال کشی* بهره برده است؛ برای مثال، کشی در عنوان «ابوعلی بن بلال» (کشی،

1348ش، ص 512) خبری را در احوال او آورده است اما نام این راوی در آن خبر به صورت «علی بن بلال» آمده است، و این نشان می‌دهد که عنوان این مدخل نیز تغییر کرده و صورت درست عنوان «علی بن بلال» است و یا در عنوان «محمد بن احمد بن نعیم» (همان، ص 533) خبری که آورده است، نام راوی به صورت «محمد بن شاذان بن نعیم» آمده است و عنوان درست نیز همین است. (شوشتری، 1391ق، ج 11، ص 70-71)

2. توجه به موضوع کتاب: از جمله قراین و روش‌هایی که می‌تواند ما را به عنوان یک متن نزدیک سازد، توجه به موضوع کتاب است، زیرا هر موضوعی عنوان خاصی می‌طلبد. شوشتری درباره نام کتاب *دلائل الطبری* می‌گوید که عنوان «دلائل» برای این کتاب مناسب نیست، زیرا در صورتی می‌توان گفت نام کتاب، «دلائل» است که موضوع آن اثر، فقط پیرامون معجزات ائمه (ع) باشد درحالی که کتاب *دلائل الطبری* این ویژگی را ندارد. ایشان درباره کتاب بر این باورند که عنوان این کتاب، *تاریخ معصومین (ع)* بوده است، زیرا موضوع آن ولادت، محل دفن و اولاد و احوال و معجزات ائمه معصومین (ع) است و این محتوا با عنوان «تاریخ معصومین» سازگار است. (شوشتری، 1396ق، ج 1، ص 43)

شوشتری در جایی دیگر برای تعیین نام کتاب *رجال نجاشی*، از همین روش بهره برده است. ایشان بحث را از آنجا آغاز می‌کند که علامه حلی و ابن داوود در زندگی‌نامه نجاشی از کتاب او در رشته رجال با عنوان «رجال» نام می‌برد. (حلی، 1411ق، ص 20/حلی، 1383ق، ص 32) شوشتری معتقد است که عنوان کتاب *نجاشی*، فهرست است نه رجال، و به دو دلیل اشاره می‌کند: اول آنکه نجاشی، نام آن را در کتابش مشخص و به آن تصریح کرده است و از طرف دیگر، موضوع این کتاب، عنوان را مشخص می‌کند، زیرا کتب رجال بر اساس طبقات منظم شده‌اند و اگر کتابی فقط اصول و مصنفات یک راوی را نام ببرد، «فهرست» است، و از آنجا که موضوع کتاب *نجاشی* نیز همین است، عنوان آن باید فهرست باشد. (شوشتری، 1391ق، ج 1، ص 15)

### ج. تعیین عنوان با شواهد بیرون و درون متن

در بسیاری از موارد، تعیین عنوان متن با استفاده از یکی از روش‌ها امکان‌پذیر نیست و بایستی مجموعه‌ای از روش‌های بیرون و درون متن را در کنار هم به کار برد تا بتوان معمای عنوان را حل کرد. برای مثال، شوشتری درباره کتاب فقه الرضا<sup>1</sup> بر این باور است که عنوان این کتاب به اشتباه به فقه الرضا شهرت یافته است و این کتاب همان کتاب التکلیف، نوشته محمد بن علی شلمغانی است. (شوشتری، 1365ش، قسم الجهاد، ص 400/همو، 1396ق، ج 3، ص 230) شوشتری در تعیین عنوان این کتاب از دو روش برون‌متنی و درون‌متنی در کنار یکدیگر بهره گرفته است. ایشان در ضمن شرح عبارت «لمعه» در کتاب شهادات به تعیین عنوان این کتاب پرداخته‌اند. به این صورت که شهید اول می‌گوید: «در شیعه تنها عزاقری- که از غلات است- معتقد است که اگر فردی شیعه، خوش سابقه و راستگوست، مدعی حقی باشد و شاهدی برای اثبات حقیش نداشته باشد، می‌توان به نفع او شهادت داد و حق را به او رسانید. (شهید اول، 1383ش، ج 1، ص 189) شوشتری در شرح این عبارت «لمعه» می‌آورد که عزاقری همان «محمد بن علی شلمغانی» است که بر اساس فهرست و رجال شیخ طوسی و نجاشی معروف به ابن ابی‌العزاقر است. (طوسی، بی‌تا، ص 146/طوسی، 1415ق، ص 448/نجاشی، همان، ص 378) در ادامه، شوشتری این تعبیر شهید اول را نقد می‌کند و می‌نویسد در کتاب ابن ابی‌العزاقر، این تعبیر به صورتی که شهید اول آورده، وجود ندارد بلکه آمده است که اگر برادرت (یکی از شیعیان) برای اثبات حقیش یک شاهد دارد و آن شاهد ثقه و مورد اعتماد و اطمینان است، فرد می‌تواند به عنوان شاهد دوم، درباره حق او شهادت بدهد. ابن ابی‌العزاقر نگفته است که اگر هیچ شاهدی نداشت، می‌توانی به نفع او شهادت دهی بلکه گفته است که اگر یک شاهد ثقه شهادت داد، تو می‌توانی به عنوان شاهد دوم شهادت دهی. شوشتری برای تأیید این تصحیح خویش، حدیثی را از کتاب الغبیه شیخ طوسی می‌آورد:

1. برای آشنایی بیشتر با این کتاب، رک: چهارسوقی، میراث حدیث شیعه، ص 7.

«عن الحسين بن علي بن بابويه و محمد بن احمد بن داوود انهما قالا مما اخطأ الشلمغاني أنه روى عن العالم (ع) أنه قال: اذا كان لاختيك المؤمن على رجل حق فدفعه عنه و لم يكن له من البينة عليه الا شاهد واحد و كان الشاهد ثقة...» (طوسی، بی تا، ص 409)

پس تا به حال فردی به نام محمد بن علی الشلمغانی، معروف به ابن ابی العزاقر معرفی شد که او در یک مسئله در باب شهادت، رأیی شاذ دارد. اما شلمغانی این نظر خویش را در کجا نوشته است؟ شوشتری با استفاده از کتاب فهرست شیخ طوسی، عنوان کتاب «شلمغانی» که این نظر در آن آمده است را کتاب التکلیف می‌دانند و درباره محتوای این کتاب از فهرست شیخ چنین می‌آورند: «اخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن ابيه عن محمد بن علي الشلمغاني الا حديثا منه في باب الشهادات انه يجوز للرجل ان يشهد لاخته اذا كان له شاهد واحد من غير علم.» (همان، ص 147) شوشتری گزارش تکمیلی دیگری را درباره محتوای این کتاب از کتاب الغيبة شیخ طوسی می‌آورند: «عن ابی الحسين بن روح ان الحسين بن روح قال: ما فی کتاب التکلیف شیء الا و قدروی عن الائمة الا موضعین او ثلاثة فان کذب علیهم فی روايتها.» (همان، ص 409) بنابراین از تعبیر شیخ در این کتاب به دست می‌آید که در کتاب التکلیف شلمغانی به غیر از اشتباهی که در بحث شهادت وجود دارد. احتمالاً دو یا سه اشتباه دیگر نیز هست. تا به حال از منابع بیرون متن، اطلاعات مربوط به کتاب التکلیف تکمیل شد.

در گام بعد، شوشتری، اطلاعاتی را که درباره کتاب التکلیف از منابع بیرون متن به دست آمده است، با محتوای کتاب فقه الرضا مقایسه کرده و در نهایت، نظر خویش را درباره عنوان آن، این گونه ارائه می‌کند: «کتابی که از عصر علامه مجلسی با عنوان فقه الرضا شهرت یافته است»، با این توهم که این کتاب از امام رضا (ع) است، به نظر می‌رسد که کتاب تکلیف شلمغانی است. در این کتاب، سه



مسئله با آنچه نزد امامیه است، مخالفت دارد. یکی بحثی که درباره شهادت گذشت و مسئله دیگر اینکه در این کتاب آمده است که معوذتین جزء قرآن نیست و سوم اینکه حد رضاع در محرمیت، سه روز متوالی است. (فقه الرضا، 1406ق، ص 308) پس عنوان درست فقه الرضا از منظر شوشتری کتاب التکلیف نوشته محمد بن علی شلمغانی<sup>1</sup> است. (شوشتری، 1365ش، قسم الجهاد، ص 309-400)

### نتیجه‌گیری

1. کاربرد روش «نقد و بررسی عنوان» در نقد بیرونی متن، شامل تعیین نویسنده متن، کشف و تصحیح افزایش، کاهش، آمیختگی، تصحیف، تبدیل و فهم اشتباه در متن است.
2. در نقد درونی نیز، «نقد و بررسی عنوان» در فهم متن و ارزیابی صحت و دقت آن کاربرد دارد.
3. انواع عنوان را می‌توان در سه دسته وصفی، علمی و معروف جای داد.
4. متونی را که در تشخیص عنوان آن‌ها اشتباهی رخ داده، می‌توان با روش‌های بیرون‌متنی و درون‌متنی تعیین عنوان کرد.



---

1. لازم به یادآوری است که محمد بن علی شلمغانی، مکنی به ابوجعفر و ملقب به ابن ابی العزافر است. او در آغاز، یکی از فقهای بزرگ شیعه در آن عصر بود ولی سپس منحرف شد و از پذیرش نیابت و سفارت ابوالقاسم حسین بن روح امتناع ورزید و در برابر او قد علم کرد و باعث انحراف خود و گروهی از شیعیان شد. او در سال 323 هجرت توسط «الراضی بالله» خلیفه عباسی به قتل رسید: «برای آشنایی بیشتر با شلمغانی و اندیشه‌های او، رک: دوانی، 1370ش، ج 2، ص 355-365»

## منابع

1. ابن ادریس، محمد بن احمد؛ السرائر لتحریر الفتاوی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، 1410ق.
2. ابن شهر آشوب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی؛ معالم العلماء؛ تصحیح عباس اقبال، بی جا: مطبعة فردین، 1353ق.
3. ابن طاووس، سید؛ الطرائف؛ قم: چاپخانه خیام، 1400ق.
4. ارومیه چی، محمود؛ آفتاب شوستر؛ بی جا: مؤسسه فرهنگی و هنری علامه شیخ شوستر، 1382ش.
5. اسفندیاری، محمد؛ عنوان کتاب و آیین انتخاب آن؛ آینه پژوهش، سال اول، شماره دوم، مرداد و شهریور 1369ش.
6. بحرانی، سید هاشم؛ مدینه المعجز؛ بیروت: مؤسسه النعمان، 1411ق.
7. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، 1371ق.
8. \_\_\_\_\_؛ بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة؛ تهران: امیرکبیر، 1418ق.
9. \_\_\_\_\_؛ رجالی عظیم معاصر؛ کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره اول.
10. \_\_\_\_\_؛ قاموس الرجال؛ تهران: منشورات نشر الکتب، 1391ق.
11. \_\_\_\_\_؛ النجعة فی شرح اللمعة؛ تهران: مکتبه الصدوق، 1365ش.
12. جهانگیری پور، محمد هادی؛ در سوگ آفتاب شوستر؛ ج 1، قم: مؤسسه دارالکتب جزائری، 1375ش.
13. چهارسوقی، محمد هاشم بن زین العابدین؛ «رسالة فی تحقیق حال کتاب فقه الرضا»؛ مجله میراث حدیث شیعه، شماره 7.
14. حلی، ابن داوود؛ الرجال؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1383ق.
15. حلی، حسن بن مطهر؛ خلاصة الاقوال؛ قم: دار الذخائر، 1411ق.
16. دوانی، علی؛ مفاخر اسلام؛ تهران: امیرکبیر، 1370ش.
17. رضی، سید، نهج البلاغه، قم: دار الهجرة، بی تا.
18. زرین کوب، عبدالحسین؛ آشنایی با نقد ادبی؛ ج 2، تهران: سخن، 1372ش.

19. \_\_\_\_\_؛ تاریخ در ترازو؛ تهران: امیرکبیر، 1354 ش.
20. ساماران؛ روش‌های پژوهش در تاریخ؛ گروه مترجمان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، بی‌تا.
21. سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز، المراسم العلویة فی الاحکام النبویه، قم: بی‌نا، 1414 ق.
22. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی و تحشیه دکتر سید محمدرضا جلالی نایینی، بی‌جا، انتشارات اقبال، 1350 ش.
23. شوشتری (تستری)، محمدتقی؛ الاخبار الدخیله؛ تهران: مکتبه الصدوق، 1396 ق.
24. شهید اول، محمد بن جمال‌الدین عاملی؛ اللمعة دمشقیه؛ ترجمه و تبیین محسن غروی‌ان و علی شیروانی، قم: دار الفکر، 1383 ش.
25. شهیدی، سید جعفر و محمدرضا حکیمی؛ یادنامه علامه امینی؛ ج 1، تهران: مؤسسه انجام کتاب، 1351 ش.
26. صحتی سردودی، محمد؛ محقق شوشتری؛ قاموس پژوهش؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1377 ش.
27. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ علل الشرایع؛ قم: انتشارات مکتبه الداوری، بی‌تا.
28. \_\_\_\_\_؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1413 ق.
29. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه؛ مجله علوم حدیث، شماره 37 و 38.
30. طوسی، محمد بن حسن؛ الرجال؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1415 ق.
31. \_\_\_\_\_؛ الغیبه؛ قم: مؤسسه معارف اسلامی، بی‌تا.
32. \_\_\_\_\_؛ الفهرست؛ نجف: المکتبه المرتضویه، بی‌تا.
33. \_\_\_\_\_؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، چاپخانه دانشگاه، 1342 ش.
34. فقه الرضا، مشهد: کنگره امام رضا، 1406 ق.
35. کشی، محمد بن عمر؛ رجال؛ مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 ش.

140 □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان 1389

36. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ بی جا: دار الکتب الاسلامیه، 1365ش.
37. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404ق.
38. محدث شوشتری، علی اکبر؛ ستاره درخشان شوشتر؛ چ 1، قم: بی نا، بی تا.
39. مفید، محمد بن نعمان؛ المقنعه؛ قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق.
40. نجاشی، احمد بن علی؛ الرجال؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1407ق.